

استقبال شاعران ایران زمین از سیره چهارده معصوم (ع) در به کارگیری شورا و مشورت

رباب گل صنملو^۱، عباس سماواتی^۲، سیده فاطمه حسینی میر صفی^۳

چکیده

این تحقیق استقبال شاعران ایرانی از سیره چهارده معصوم (ع) در به کارگیری شورا و مشورت را مورد بررسی قرار می‌دهد. در سرزمین ایران، از زمان ساسانیان، دین و ملک دو روی یک سکه بوده‌اند و از دوره صفوی امور ایران بر دو رکن موازی زبان فارسی و مذهب شیعه استوار شده‌است. از این رو فرهنگ دینی و فرهنگ ملی ایرانیان، پیوندی ناگسستنی داشته‌اند و یکی از این موضوعات مشترک بسیار مهم در این مورد، توجه به فرهنگ شورا و مشورت بوده‌است. خداوند در قرآن کریم به پیامبر خود دستور می‌دهد که با امت خود مشورت کند؛ چرا که مشورت با مردم، ارزش گذاشتن بر آنهاست و ارزش‌گذاری بر مردم باعث می‌شود که سیاست‌مداران به سلامتی از مخمصه‌های داخلی و خارجی عبور کنند و مردم را حامی و پشتیبان خود بدانند. پژوهش حاضر به صورت توصیفی و تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای در صدد پاسخ به این سؤال است که استقبال شاعران ایران از سیره چهارده معصوم (ع) در به کارگیری شورا و مشورت چگونه بوده‌است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مشورت برای همه این شاعران، معادل گشودن ذهن به روی حقیقت، نمادی از خردورزی، دوری از استبداد رای، بهره‌گیری از تجربیات دیگران، و دوری از غرور بی‌جا برای رسیدن به بهترین تصمیم است.

۱. دانشجوی دکتری گروه فلسفه، الهیات و معارف اسلامی (گرایش علوم قرآنی و حدیث)، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. گروه فلسفه، الهیات و معارف اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

که همهٔ اینها ریشه در تعالیم دینی و حکمت عملی دارد و بیشتر این مضامین در تایید فرمایشات معصومین^(ع) بوده است.

کلید واژه ها: استقبال شاعران ، سیرهٔ چهارده معصوم^(ع) ، بکارگیری شور و مشورت.

۱- مقدمه

«ائمهٔ معصومین (ع) نور واحد هستند و از حیث الگو بودن یکسانند. با وجود آن که، ائمهٔ هدی، حجت خدای تعالی و نور واحدند و هدف مشترکی را دنبال می نمودند اما بواسطه شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران زندگی هر یک بر حسب زمان و مکان با یکدیگر تفاوت داشته اند، دارای خط مشی های متفاوت با یکدیگر بوده اند، از اینرو آشنایی با ابعاد گوناگون شخصیت این نمایندگان الهی، برای سالکان راه حقیقت ضروری است» (حسینی میر صفی، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

در سیرهٔ معصومین صرفاً به مباحث دینی پرداخته نمی شود بلکه مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز نهایت اولویت را به خود اختصاص داده اند. رفتار پیامبر با اقلیت های دینی و تعهد دولت اسلامی به آنها و برعکس و هم چنین حقوق و اختیارات آنها همچون برقراری امنیت برای آنها، تامین آزادی دینی آنها ، مراسم های دینی، انتخاب مسکن و شغل و بطور کلی جایگاه آنها در دولت اسلامی نمونه ای از این اولویت هاست. زیبایی و قدرت فرمایشات پیامبر گرامی اسلام در مورد تساوی نژادی در اسلام هنوز هم بالاتر از اعلانات مهم ترین مراجع بین المللی امروز است. آن هم زمانی که بیشتر اقصی نقاط جهان در جهل و نادانی می سوخت (سماواتی، ۱۴۰۱: ۱۵۷-۱۵۴).

در اسلام نظام امامت با این که مطلوبترین نظام هاست، اما مشروط و مقید به عبور از کانال نظامات و مقررات شورا و بیعت می باشد. «مردم خودشان باید به امام برسند، امام نمی تواند تحمیلی باشد، و برای آنکه خودشان برسند، باید آزاد و مختار و صاحب رای باشند و مشورت پیشه کنند و تنها در این حالت است که با عشق و محبت و ولایت ب

او میل می کنند و با الهام گیری از امام نمونه و شاهد خود را امام گونه می سازند» (بازرگان، ۱۳۸۷: ۶۰). شورا تفاوت انسان ها در اندیشه را برملا می کند و قرآن نیز به گوناگونی و تفاوت انسان ها در آفرینش اشاره می کند: «و قد خلقکم اطوار» هر آینه شما را گوناگون آفرید (آیه ۱۴، سوره نوح). امام صادق (ع) هم با عبارت بسیار زیبایی به بیان تفاوت انسان ها می پردازد: «ذخایری که در باطن مردم نهفته است، مانند طلا و نقره با یکدیگر متفاوتند» (الکافی، ۱۳۶۷: ۱۹۷).

از این رو پیامبر گرامی اسلام و تمامی ائمه معصومین (ع) با وجود علم (معمولی - غیبی) که داشتند با توجه به این که اسلام بعنوان آئینی که به سرنوشت فردی و اجتماعی و حیات دنیوی و اخروی بشر توجه کرده و برای امر شورا و مشورت ارزش ویژه ای قائل است، اصل شورا و مشورت را ستون فقرات نظام اسلامی و شیوه های اجتناب ناپذیر بر مدیریت جامعه اسلامی می دانستند و بخاطر برانگیختن، احساس مسئولیت مسلمانان در مورد مسائل فردی و اجتماعی، آگاهی دادن و دور کردن آنها از اسلام انحرافی، جلوگیری از استبداد فکری حاکمان در جوامع اسلامی، گسترش عمل به شیوه نبوی، آشنا کردن مسلمانان با حقیقت فلسفه دین، بهره مندی از مزایای فکری و اندوخته های دیگران، ارزش و بها دادن به مردم خود، هدفمندسازی زندگی، ترویج فرهنگ شور و مشورت، ترغیب اصحاب و تقویت روحیه آنها، آزمایش اصحاب خود، زنده نگه داشتن دین خدا، کسب رضای محبوب و رسیدن به خالق خود، به مشورت و شورا اهمیت خاصی قائل می شدند و در قول و عمل خود سعی می کردند که امت خود را به مشورت با دانشمندان، پرهیزکاران، تجربه دیده ها، خردمندان، دوراندیشان و مومنان ترغیب و از مشورت با افراد فاقد صلاحیت همچون افراد ترسو، بخیل، نادان، آزمند، خودرای، دروغگو، تنگ نظر و دشمنان (به جز در صورت نیاز) منع کنند و در این امر همانند انسان های معمولی از علم بشری خود استفاده می کردند.

بیان مساله

در تاریخ اندیشه و سیاست، هیچ فضیلتی همچون «شورا و مشورت» مایه استواری ارکان زندگی و حاکمیت نبوده است. در سیره چهارده معصوم (ع)، شورا و مشورت نه یک انتخاب مصلحتی، بلکه یک ضرورت اخلاقی و عقلانی بوده است. امام علی (ع) با بیان جاودان «لَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ»، «هیچ پشتیبانی همانند مشورت نیست» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۵۲)، راه را بر استبداد رای بستند و دریچه ای به سوی هم افزایی عقل ها گشودند. این منش و سیره، در طول قرن ها، الهام بخش شاعران و سخن سرایان ایران زمین بوده است. از حماسه سرایان تا عارفان هریک به زبانی، بازتاب دهنده این حقیقت بوده اند. در ساحت تعلیم حکیمانی چون سعدی شیرازی، در ساحت عرفان، جلال الدین مولوی در مثنوی معنوی، مشورت را از سطح یک گفتگو فراتر برده و آن را پیوند «عقل جزئی» به «عقل کل» می دانند؛ آنجا که مولوی می سراید: «عقل ها مر عقل را یاری دهد». در اقبال نامه، نظامی گنجوی با ترسیم «انجمن حکیمان»، ساختار ایده آل یک حکومت مبتنی بر شورا را بر اساس حکمت های علوی پی ریزی کرده است. این تحقیق کوششی است برای بازجستِ ردپای این اندیشه ی بلند در دیوان شاعران بزرگ، تا نشان دهد چگونه کلام چهارده معصوم (ع) در تار و پود ادبیات فارسی تنیده شده و «شورا و مشورت» را به عنوان میراثی ماندگار برای خردورزی ایرانیان به یادگار گذاشته اند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی- استنباطی و با ابزار کتابخانه ای است. داده های پژوهش با استفاده از کتابها و متون مربوط به سیره چهارده معصوم (ع) در بکارگیری شورا و مشورت و هم چنین دیوان های شعر شعرای سرآمد فارسی زبان ایران همچون مولوی، سعدی، حافظ، ناصر خسرو، نظامی گنجوی و ... استخراج شده است.

به منظور بهره بردن و آگاهی کافی از موضوع مورد پژوهش، از متون دیگری که به نوعی به شرح و تبیین بیشتر مطلب کمک می کرد، استفاده شده است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع در آن است که با شناخت سیره معصومین (ع) و آشنایی با رفتار آنها خصوصا در مسائل مهمی همچون شورا و مشورت که به علت اهمیت آن در اشعار بسیاری از شعرای ایران در قالب شعر نیز توجه شده است می توان بسیاری از معضلات کنونی کشور و دنیای اسلام را حل کرد. از طرفی همه کشورهای اسلامی باید خود را برای جهان آینده آماده کنند و راه آن است که با سیاست های فرهنگی درست و سنجیده، دوستی و همکاری و احترام را جانشین بدگمانی ها، کینه ها و هراس های گذشته کند. سود همه مردمان منطقه و جهان مخصوصا مسلمانان دنیا در این است که یکدیگر را نه به چشم دشمن که به چشم هم کیش و دوست ببینند و بدانند که نیکبختی آنان در گروه عمل به سیره چهارده معصوم که نیک اندیشی، واقع بینی و شور و مشورت با یکدیگر است، می باشد. در سده ها و هزاره های گذشته مردمان این بخش از جهان، بیش از سهم خود از کین خواهی زیان دیده اند.

پیشینه تحقیق

علیرغم پژوهش های متعدد و ارزنده در حوزه اخلاقیات در شعر شاعران فارسی که تا کنون انجام یافته، پژوهش مستقلی در مورد استقبال شاعران ایران از سیره چهارده معصوم (ع) در بکارگیری شورا و مشورت بررسی نشده است اما در پژوهش های زیر به بخش هایی از موضوع این پژوهش اشاره شده است:

۱. رجب توحیدیان (۱۴۰۲) در پژوهش « بازتاب آموزه های تعلیمی در آئینه اشعار حکیم شیخ حسین شهرت شیرازی » به این مسئله پرداخته است که هرچه از آغاز شکل گیری ادب فارسی فاصله می گیریم بر اساس تاثیر پذیری شعرا و نویسندگان از قرآن و احادیث، بسامدهای آموزه های تعلیمی نیز در آثارشان زیاد می شود.

۲. حبیب یوسف وند و رضا حق پناه (۱۳۹۷) در پژوهش «بررسی شعر و سبک شاعری شاعران از منظر سیره معصومین (ع) مخصوصا امام رضا علیه السلام» جایگاه شعر و شاعری در عصر ظهور اسلام با تکیه بر سیره عملی پیامبر (ص) و ائمه (ع) را مورد کاوش قرار داده است.
۳. عباسعلی ابراهیمی مهر (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان «بازتاب سیره و کلام امام علی (ع) در شعر عطار نیشابوری» به بررسی متاثر شدن عطار در آثار خود از کلام و سیره امام علی (ع) پرداخته است.

بحث و بررسی

دین اسلام بعنوان آیینی که به حیات دنیوی و اخروی بشر توجه کرده، برای امر شورا ارزش ویژه‌ای قائل است. به عبارت دیگر نهاد شورا و اصل مشورت، ستون فقرات نظام اسلامی و جامعه اسلامی می‌باشد. در آیات شریف قرآن، شورا و مشورت به معنی نظرخواهی با مراجعه بعضی به بعض دیگر است. «و شاورهم فی الامر» و «و امرهم شورا بینهم» نیز به معنای کاری است که در آن نظرخواهی می‌شود. امام علی در این باره می‌فرماید: (شاور ذوی العقول تامن من الزلل و الندم = با خردمندان مشورت کن تا از لغزش و پشیمانی در امان بمانی). مقایسه اندیشه متفکران مسلمان با متفکران غرب تفاوت آشکاری را نمایان می‌سازد. به عنوان یک ویژگی مهم، تأکید بر معرفت دینی، اندیشه مسلمانان را از اندیشه غربی‌ها متمایز ساخته است؛ چرا که تفکر اجتماعی آنها بخشی از تفکرات دینی آنها است. وقتی آنها به جامعه می‌اندیشند آن را جدای از نظام خلقت نمی‌بینند. اساسی‌ترین هدف آنها در هر جامعه، رساندنشان به کمال مطلوب است و جامعه ایده‌ال در نظر آنها مدینه‌ای است که پیامبر بر آن حاکم است. (آزاد ارمکی، ۱۴۰۱: ۱۳۲).

اصول مشورت در اسلام

در اسلام، مشورت از اصول بنیادین زندگی فردی و اجتماعی به شمار می رود و نشانگر خرد، فروتنی و مسئولیت پذیری مومن است. قرآن کریم با بیان «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» بر ضرورت تصمیم گیری جمعی تاکید می کند و پیامبر اکرم (ص) در عمل، این اصل را مبنای اداره امور امت قرار داد. برخی از اصول مشورت در اسلام عبارتند از:

– **اصل فطرت:** یکی از وظائف بزرگ پیامبران الهی بیدار کردن فطرت بشر و بکار انداختن سرمایه های الهی انسان است. خداوند انسان را با فطرت معرفت خویش خلق کرده است. (فرید، ۱۳۶۶: ۳۷۶)

– **اصل کرامت:** وقتی عشق، به خدا بسته شد آدمی به همه انسان های خوب عشق می ورزد، زیرا در وجودشان گوهر حق گرایی را که روح دمیده الهی است و کرامت اعطائی خود را می بیند. (فارسی، ۱۳۷۸: ۶۰۷)

– **اصل اختیار:** در برخی آیات قرآن کریم، مختار بودن انسان بیان شده است، از جمله: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (ما انسان را راه نمودیم، سپاسگزار یا ناسپاس باشد). در نگاه قرآن که جوهره اصلی فرهنگ اسلامی است، انسان در مقامی است که داننده جمیع اسمای الهی، و به تعبیر عرفا مظهر همه اسما و صفات خداوند است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۲۷)

– **اصل تغییرپذیری:** انسان می تواند با آگاهی و آزادی راه خویش را برگزیند و شخصیت، هویت فکری، اخلاقی و فرهنگی خویش را شکل بخشد. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» خداوند وضع هیچ جامعه ای را دگرگون نمی سازد، مگر آن جامعه در وضع خود تغییر ایجاد کند. (رعد/ ۱۱)

«برای پایان دادن به بدبختی ها و ناکامی ها باید به یک انقلاب درونی روی آوریم، تولدی تازه پیدا کنیم و نور و حرکتی جدید، تا در پرتو آن بتوانیم ناکامی ها و شکست ها را به پیروزی مبدل سازیم.» (مکارم شیرازی: ۱۳۸۵: ۱۴۵)

– **اصل مسئولیت:** امام جعفر صادق خطاب به مفصل می فرماید: «ای مفصل: بدان، اگر حکومت در دست ما بود، جز سیاست شب (عبادت، اقامه حدود و حقوق الهی و حراست مردم) و سیاحت روز (سیر کردن و رسیدگی به مشکلات مردم و ...) و خوردن خوراک‌های خشک و نامطبوع و پوشیدن جامعه‌های درشت، یعنی جز همان روش امیر المؤمنین، چیزی در کار نبود، که اگر جز این عمل شود، پاداش آن، آتش دوزخ است». (حکیمی، ۱۳۸۰: ۳۰۳)

– **اصل کمال جویی:** نقطه اوج کمال آدمی دست یابی به «مقام قرب الهی» و رسیدن به مقام خلیفه الهی است و کمال نهایی انسان مربوط به روح او بوده و جنبه جسمانی ندارد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۰)

فواید مشاوره

با توجه به علم الهی و بشری معصومین و عدم نیاز آنها به مشاوره، آن بزرگواران می‌خواستند که مسلمانان فواید مشاوره را در لحظه لحظه زندگیشان مد نظر داشته باشند. مهم‌ترین فواید مشاوره از نظر آنها عبارتند از:

توجه به محترم بودن مردم در پیشگاه الهی

«حاکمان نباید مردم را مانند کودکانی نیازمند به قیم و سرپرست دانسته و خود را سرپرست و فرمانده بی‌چون و چرای آنان فرض کنند؛ چرا که بندگان خدا در نزد او محترم‌اند.» (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۱۲)

استفاده از نظر دیگران: «تصمیم‌هایی که بعد از مشورت و با استفاده از نظر دیگران اتخاذ می‌شوند، معقول‌تر و درست‌تر می‌باشند.» (آقایروز، ۱۳۸۴: ۱۴۶)

برطرف شدن عیوب: حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْآرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا؛ اگر کسی از آرا و نظرات دیگران استقبال کند، می‌تواند محل خطا و اشتباه را کاملاً بشناسد.» (یثربی، ۱۳۹۷: ۳۱۵)

ارزش گذاشتن به خواسته جوانان: وقتی گروهی از دختران مدینه می‌خواهند در جنگ حنین شرکت کنند و مشغول پرستاری از زخمی‌ها شوند، پیامبر اسلام می‌پذیرند؛ چرا که خواسته جوانان را در نظر می‌گیرند. «در طول تاریخ اسلام هر وقت اسلام به معنی راستین وجود داشته و بر جامعه حکومت کرده، زنان در نقش اجتماعی شان بزرگ‌ترین استعدادها را نشان داده‌اند، ولی وقتی همه چیز و همه کس منحط شده، زن نیز به انحطاط کشیده است و در این موقعیت است که زن مسلمان، حضرت زینب را برای خود الگو قرار نداده و به ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی عمل نشده است.» (شریعتی، ۱۳۵۴: ۴۸)

نجات از هلاکت: «مومن باید از طریق استنباط راه حل‌های دقیق، دوری از خواهش‌های نفسانی، تکامل عقل، پیروی از پیامبر، ترغیب اصحاب، مشارکت همگانی، اصلاح مردم و آزمایش یاران و اصحاب، خود را از کمند آسیب‌های روزگار که برای هلاکت او در سر راهش قرار گرفته اند، نجات دهد.» (تمیمی آمدی، بی‌تا: ۴۴۲).

شورا و مشورت در اشعار شاعران ایرانی

با پیروی از چهارده معصوم (ع) «واژه شور و مشورت» در اشعار شاعران بزرگ ایران زمین با واژگان متفاوتی همچون رای، رای زدن، رایزن، تدبیر، شورا، کارآگاه دانای کاردان و راهنما بکار برده شده است: قَالَ إِمَامُ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تُشَاوِرُ قَوْمَ إِلَّا هُدُوا إِلَى رُشْدِهِمْ. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۳۶)

در حدیث صادقی فرموده باشد، مجتبی آن امام دومین پور علی مرتضی مشورت با دیگران را بر گزین در زندگی تا شریک عقل مردم باشی و دور از خطا میوه رشد و هدایت، از درخت مشورت و چه ارزشمند باشد در میان میوه‌ها (عبدالرحیمیان، ۱۴۰۳: ۱۲۴)

سکندر به تدبیر دانا وزیر به کم روزگاری شد آفاق گیر
(نظامی، ۱۳۷۶: ۹۳)

به تدبیر پیران کند کارها

جوانان برد سوی پیکارها

(همان، ۳۷۳)

در تاریخ بلعمی آمده است: مشورت با موبدان محدود به عزل و نصب پادشاه و شاهزادگان نمی شد، بلکه انتخاب و گزینش سرداران و کارپردازان نیز با مشورت آنان صورت می گرفت: «هرمز از دشمنان پرداخت و به تدبیر ملک ایستاد و مهتران ملک را جمع کرد و موبد موبدان را گفت. خدای تعالی کار ما را نیکویی کرد؛ این شاید به شاه مانده است که به میان پادشاهی ما اندر آمده است؛ چه گویند و چه شاید کردن و که را به چنگ او فرستیم، همه گفتند بهرام چوبین شاید و اندر زمان هیچ کس شایسته‌تر از او نبود. اگر شاه قصد مقابله با یکی از سرداران ذی نفوذ خود را داشت، با سپاهیان و لشکریان به مشورت می نشست تا حمایت آنان را به دست آورد، همان‌طور که خسرو پرویز قبل از جنگ با بهرام نظر لشکریان خود را جویا می شد، چرا که بهرام چوبین زمانی جزو سرداران او بوده و بالطبع در بین سپاه طرفدارانی دارد. او با این مشورت با تحریک عواطف سپاه به نفع خود بهره‌برداری می کند»؛ (طبری، ۱۳۹۶: ۱۰۷۵)

مشورت در شاهنامه فردوسی (حکمت پادشاهی): در شاهنامه، مشورت یک اصل حکومتی و لازم خردورزی پادشاه است. فردوسی تأکید می کند که پادشاهی که خودرأی باشد، شکست می خورد و کشور را به تباهی می کشد، بنابراین به موارد زیر در شاهنامه تاکید دارد:

الف) ضرورت مشورت برای شاهان:

پادشاهان بزرگ و عادل، مانند کیخسرو یا نوشیروان، همواره پیش از اقدام به جنگ، صلح، یا تصمیمات مهم کشوری، با موبدان، وزیران و ریش سفیدان انجمن رای تشکیل می دادند. این نشان می دهد که تصمیم گیری بدون خرد جمعی، در فرهنگ ایران باستان مذموم بوده است.

سخن چون ز داننده بشنید شاه

برسم دگرگون بیارست گاه

(فردوسی، ۱۳۹۳: ۶۹)

ب) ویژگی‌های مشاوران در شاهنامه: مشاوران مورد تأیید فردوسی کسانی هستند که:

خردمند و باتجربه باشند (گوینده‌رای).

دلسوز و خیرخواه کشور باشند، نه چاپلوس.

رازداری و امانت‌داری پیشه کنند.

خرد، رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای

(فردوسی، ۱۳۹۳: ۳)

ج) نتیجه خودرایی:

شخصیت‌هایی مانند ضحاک یا کاووس در برخی مراحل، به دلیل غرور و عمل نکردن به رأی خردمندان دچار مصیبت و شکست می‌شوند. این داستان‌ها جنبه تعلیمی دارند که عاقبت استبداد رأی را نشان می‌دهند:

نخستند با شاه ایران به راز	بزرگان فرزانه و رزمساز
چنین گفت خسرو بدان مهتران	که ای سرفرازان و جنگ آوران
مر آن مغز کو را خرد روشن است	ز دانش یکی بر تنش جوشن است
کنون من به سال از شما کهترم	به رای جوانی جهان نسپرم
بگوئید تا چاره کار چیست	بر آن خستگی ها بی آزار کیست

(فردوسی، ۱۳۹۳: ۷۲۸)

حضور موبدان به عنوان مشاوران جنگی در میادین رزم نیز احساس می‌شد و همیشه به عنوان ناظر و مشاور همراه سپاه بودند تا فرمانده هان تصمیمات جنگ را با رای و نظر آنان اتخاذ کنند:

دل شاه ترکان چنان کم شنود	همیشه به رنج از پی آز بود ...
به کاخ اندر آمد پر آزار دل	ابا کاردانان هشیاردل...
بیاریم بر گرد ایران سپاه	بسازیم هر سو یکی رزمگاه

همه موبدان رای هشیار خویش نهاده‌اند با گفت سالار خویش
(همان: ۴۶۹)

ببینید تا چاره کار چیست درین رزمگه مرد پیکار کیست
همی رای باید که گردد درست از آغاز کینه نبایست جُست
(همان: ۳۹۸)

کاووس پیش از برخورد تند با افراسیاب، خواهان پایان بخشیدن به جنگ میان ایران و توران از راه‌های دیپلماتیک به شیوه شور و مشورت است:

که ایران پرداز و بیشی مجوی سر ما شد از تو پر از گفتگوی
تو را شهر توران بسندست خود به خیره همی دست یازی به بد
فزونی مجوی ار شدی بی‌نیاز که درد آردت پیش رنج دراز
ندانی که ایران نشست من است جهان سر به سر زیر تخت من است
پلنگ ژیان گر چه باشد دلیر نیارد شدن پیش چنگال شیر
(همان: ۳۸۷)

قطران تبریزی شاعر قرن پنجم قمری سروده است:

نه هر کاری خدایی را ز مردم نه هرگز هیچ پیغمبر کسی را گشت
مشورت باید فرمان بر
(قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۶۵)

مشورت در آثار سنایی غزنوی

سنایی، به عنوان یکی از اولین شاعرانی که شعر حکمی و عرفانی را گسترش داد، مشورت را در کتاب‌هایش مانند حدیقه‌الحقیقه، در زمره آداب دین‌داری و خردورزی قرار می‌دهد. سنایی نیز مانند فردوسی، به حاکمان توصیه می‌کند که از مستبد بودن بپرهیزند، اما تأکید او بیشتر بر سیرت عدل است که یکی از ارکان آن مشورت با داناست.

سر چه پوشی که در بهاران گل راز پنهان ندارد اندر دل
با بهار رای زن ز بهر بهی کز دو عقل از عقيله باز رهی

کز تن دوست در سرای مجاز جان برون آید و نیاید راز
راز مر دوست را چو جان باشد زان چو جان در دلش نهان باشد
(سنایی، ۱۳۸۰: بخش ۵۱)

مشورت در آثار عطار نیشابوری (عرفان و سلوک)

عطار به مشورت به عنوان یک ابزار برای پیشبرد کار جمعی و رسیدن به هدف مشترک اشاره می‌کند. او بر مشورت جمعی برای رسیدن به یک تصمیم درست تأکید دارد، زیرا در مسیر عرفانی (سلوک)، خطرهای زیادی وجود دارد که باید با خرد جمعی آن‌ها را رفع کرد.

مشورت هر کس که با ابله کند دیو ملعونش سگ گمره کند
آنکه مال خود دهد با جاهلان آنچنان کس کی شود از مقبلان؟
هر که را از عقل آگاهی بود نزد او ادبار گمراهی بود
(عطار، ۱۳۸۷: پندنامه. بخش ۲۷)

جمع‌بندی نهایی مشورت در شعر عرفانی:

شاعر	تمرکز مشورت	هدف نهایی
سنایی	خردورزی و صلاح اندیشی در امور دنیوی و دینی	دین‌داری صحیح و دوری از غرور
عطار	رفع حیرت و انتخاب راه درست در مسیر سلوک (تصوف)	رسیدن به حقیقت مشترک (سیمرغ)

جامی نیز در مورد اهمیت شور و مشورت می گوید:

چو آید مشکلی پیش خردمند کزان مشکل فتد در کار او بند
کند عقل دیگر با عقل خود یار که تا در حل آن گردد مددکار
ز یک شمعش نگیرد نور خانه فروزد شمع دیگر در میانه
(جامی، ۱۳۸۰: ۳۱)

کرد عرض رأی بر دانا حکیم کای جهان را قبله ی امید و بیم
هر کجا درمانده ای را مشکلی است حل آن اندیشه روشندلی است...
خوش بود خاک در کامل شدن بنده فرمان صاحب‌دل شدن
بشنو این نکته! که دانا گفته است گوهری بس خوب و زیبا گفته است
«رخنه کز نادانی افتد در مزاج باید از دانا و دانایی علاج!»
(جامی، ۱۳۸۰: ۹۸)

سعدی نیز در باب ضرورت مشورت و همراهی در گلستان می گوید:

چو روز تو باشد جهاندار باش خردمند باش و بی آزار باش ...
مزن رای جز با خردمند مرد زآیین شاهان پیشین مگرد
(سعدی، ۱۳۷۹: ۱۵۳)

غالبش بر غرض نیاید تیر هر که بی مشورت کند تدبیر
برنیارد به جز پشیمانی بیخ بی مشورت که بنشانی
(سعدی، ۱۳۷۹: مثنویات ۲۵)

غالبش بر غرض نیاید تیر هر که بی مشورت کند تدبیر
برنیارد به جز پشیمانی بیخ بی مشورت که بنشانی
(سعدی، ۱۳۷۹: مثنویات ۲۵)

مشورت در آثار سعدی (حکمت عملی و مدیریت)

سعدی، مشورت را نه تنها برای پادشاهان، بلکه برای تمام طبقات جامعه، به خصوص برای مدیران و افراد صاحب مسئولیت، یک الزام عقلانی می‌داند.

الف) دلیل اصلی مشورت: رفع خطا و دستیابی به کمال

ب) اهمیت مشورت با باتجربه‌ها (ریش سفیدان)

ج) پرهیز از مشورت با افراد ناصالح

د) عاقبت خودرأیی

ذ) زیان مالی و اداری

جمع‌بندی نهایی شاعران

شاعر	محور اصلی مشورت	تمرکز بر چه کسانی	نتیجه خودرأیی
فردوسی	پایداری حکومت و مُلک	پادشاهان و وزیران	فروپاشی کشور، شکست در جنگ
مولانا	دستیابی به حقیقت و کمال روحی	سالکان راه، اهل سلوک	هلاکت فردی، گمراهی در مسیر
سعدی	حکمت عملی و مدیریت امور	مدیران و صاحب‌منصبان	زیان و پشیمانی در امور دنیوی

مقایسه دیدگاه شاعران در باب آداب و ویژگی‌های مشاور

ویژگی مشاور / آداب مشورت	فردوسی (شاهنامه)	مولانا (مثنوی)	سعدی (گلستان و بوستان)
جوهر اصلی مشاور	خردمندی و تجربه (گوینده‌رای)	اهل دل و نورانیت عقل	صلاح و نیکی (عدم غرض‌ورزی)
صداقت و دلسوزی	باید رأی از سر خیرخواهی و شفقت باشد نه تملق	باید از مکر نفس و وسوسه‌ها دور باشد.	حتماً باید خیرخواه باشد و حسد.
رازداری (امانت)	حفظ رازهای حکومتی یک اصل ضروری است	مشورت باید در خلوت باشد تا رأی پخته و بدون دغدغه باشد.	مشاور باید امین باشد تا سخن بی‌پرده بگوید.
تجربه و سن	مشورت با ریش‌سفیدان و آزموده‌کاران در اولویت است.	بر تجربه تأکید کمتری دارد؛ تمرکز بر نور عقل است.	تأکید صریح بر مشورت با پیران و باتجربه‌ها.
پرهیز از...	مشورت با دشمن و بدخواه.	مشورت با کسانی که عقل جزئی دارند و به حقیقت متصل نیستند.	مشورت با اهل غرض، ترسو، بخیل و حسود

جمع بندی: تفاوت در هدف

ژانر شعری	هدف اصلی مشورت	ماهیت مشاوران
حماسی	پیروزی و بقای تخت و تاج	موبدان، سپهبدان، بزرگان لشکر
تعلیمی	عدالت، رشد اخلاقی، موفقیت فردی و اجتماعی	حکما، دوستان دانا، پیران باتجربه

مشورت در مثنوی معنوی مولانا (معرفت و سلوک)

مولانا در مثنوی، مشورت را از یک بُعد اخلاقی، تربیتی و حتی عرفانی بررسی می‌کند. در دیدگاه او، مشورت نوری است برای روشن شدن راه سالک و رهرو حقیقت.

الف) نور عقل‌های جمعی:

مولانا بر این نکته تأکید دارد که هر خردی، بخشی از حقیقت را می‌بیند. اگر این خردها کنار هم قرار گیرند، به بصیرت کامل‌تری دست خواهیم یافت:

این خردها چون مصابیح انور است بیست مصباح از یکی روشن‌تر است

(مولوی، ۱۳۸۷: ۳۱۱)

ب) مشورت برای گریز از هلاک:

از نظر مولانا، خودرأیی یا استبداد رأی، در نهایت به هلاکت فرد می‌انجامد. کسانی که بدون مشورت عمل می‌کنند، گویی در مسیر تاریکی، فقط به چراغ کوچک خود دل بسته‌اند.

هر که را عقل و دل و دینار هست مشورت گیرد به نیکو رای گسست

(مولوی، ۱۳۸۷: ۲۶۱)

جمع‌بندی عواقب:

شاعر	نتیجه و عواقب خودرأیی
مولانا	هلاکت روحی و گرفتار شدن در بند نفس.
فردوسی	سقوط پادشاهی و آسیب دیدن تاج و کلاه (اقتدار).
سعدی	ضرر مالی و تباه شدن کار

مشورت در غزل حافظ

حافظ به دلیل طبع غزل‌سرایی‌اش، کمتر به نصیحت‌های مستقیم مدیریتی یا حکومتی می‌پردازد. دیدگاه او در باب مشورت، بیشتر در قالب توصیه‌هایی برای خردمندی در زندگی و پرهیز از تعصب و استبداد فکری است.

هر آنچه ناصح مشفق بگوید بپذیر
نصیحتی کنمت بشنو و بهانه مگیر
(حافظ: ۱۳۷۷: ۲۵۶ غ)

نتیجه‌گیری

مشورت در شعر فارسی نه تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه یک اصل بنیادی در مدیریت زندگی فردی و اجتماعی، و راهی برای کم کردن خطا و نزدیک شدن به حقیقت محسوب می‌شود.

فردوسی مشورت را ابزار عدالت و بقای مُلک می‌داند، مولانا آن را وسیله‌ای برای کمال روحی، پرهیز از خطا در سلوک و دستیابی به حقیقت معرفی می‌کند، همچنانکه سعدی در آثار خود، به ویژه در گلستان و بوستان، به عنوان یک معلم اخلاق اجتماعی و مدیریتی، بسیار کاربردی و دقیق به مسئله مشورت نگاه کرده است. شعرای بزرگ، هر یک به فراخور ژانر خود، خودرأیی را مقدمه فاجعه دانسته‌اند؛ خواه این فاجعه

در سطح کشور باشد، خواه در سطح معنویات فرد، و خواه در سطح کسب و کار. توجه به آثار شاعران پیشگام در شعر تعلیمی و عرفانی، مانند سنایی و عطار، که مقدم بر مولانا بودند، مشورت را بیشتر در بُعد پند و اندرزهای حکمی و مسیر تصوف مطرح کرده‌اند. در نهایت، از فردوسی (حماسه) تا سعدی (تعلیم) و مولانا و عطار (عرفان)، تمامی شاعران بزرگ فارسی، مشورت را سرمایه‌ای نامرئی می‌دانند که تضمین‌کننده پایداری ملک، رستگاری فرد، و موفقیت در امور است.

اگرچه مشورت به صورت مستقیم یک مضمون اصلی در غزل حافظ نیست، اما می‌توان از خلال اشعار او، دیدگاهش را درباره اتکا به خرد و دوری از خودرایی (که در غزل، بیشتر در قالب دوری از زهد ریایی و خشک‌مغزی متجلی می‌شود) بررسی کرد. شاعران فارسی زبان برای تأکید بر اهمیت مشورت، به شدت عواقب و زیان‌های ناشی از خودرایی و استبداد در تصمیم‌گیری را گوشزد کرده‌اند. این هشدارها معمولاً با لحنی قاطع و حکیمانه بیان شده‌اند تا جنبه تعلیمی قوی‌تری داشته باشند.

اکثر شاعران به اهمیت رازپوشی مشاور تأکید دارند. اگر مشاور رازدار نباشد، شخص مشورت‌کننده هرگز نمی‌تواند تمام جزئیات کار خود را بیان کند و در نتیجه، رأی ناصحیح خواهد بود. در کنار رازداری به ویژگی‌های دیگر مشاوران همچون « دوری از غرض » آنها اشاره می‌کنند.

فردوسی می‌گوید مشاور نباید چاپلوس باشد، سعدی می‌گوید مشاور نباید حسود یا بخیل باشد، و مولانا می‌گوید مشاور نباید تحت سلطه نفس خود باشد. در واقع، رأی باید از سر صلاح باشد نه منفعت شخصی یا غرض. سعدی و فردوسی به خردی که از تجربه و آزمون به دست آمده، بها می‌دهند (خرد عملی).

مولانا به خردی که نورانی و الهی است و از عقل‌های کامل‌تر جمع شده (خرد عرفانی و متافیزیکی)، تأکید بیشتری دارد.

نتیجه آن‌که، شاعران فارسی زبان آموخته‌اند که مشورت تنها پرسیدن یک نظر نیست، بلکه واگذاری بخشی از سرنوشت به دست فردی امین، بی‌غرض و خردمند است. علاوه

بر جنبه‌های اخلاقی و تربیتی، آنها از جنبه‌های مدیریتی و معاشرتی نیز غافل نمی‌شوند. سعدی و دیگر شاعران تعلیمی، بر مشورت در امور روزمره زندگی، کسب و کار، و نحوه برخورد با زیردستان یا بالادستان تأکید دارند. این مشورت برای بهبود روابط اجتماعی و کاهش خطای مدیریتی است.

بسیاری از این اشعار، جزئی از بخش آداب کشورداری و رفتار با مردم (سیرت پادشاهان) هستند. مشورت با وزیران، برای اطمینان از عدل و دوری از ظلم به مردم، موضوع مکرر شعر تعلیمی است.

براهمیت خرد جمعی بارها تأکید کرده‌اند که خرد فردی محدود است و برای رسیدن به رأی صحیح، باید نور عقل‌های دیگران را به آن افزود و مولانا به زیبایی این نکته را بیان کرده است:

در ادبیات فارسی، مفهوم مشورت از یک الزام حکومتی «فردوسی» به یک توصیه اخلاقی و تربیتی «سعدی و سنایی»، به یک اصل سلوک عرفانی «مولانا و عطار» و در نهایت به یک راهنمای رهایی از تعصب و خودفریبی «حافظ» تبدیل شده است. مشورت برای همه این شاعران، معادل گشودن ذهن به روی حقیقت، نمادی از خردورزی، دوری از استبداد رای، بهره‌گیری از تجربیات دیگران، و دوری از غرور بی‌جا برای رسیدن به بهترین تصمیم است که همه اینها ریشه در تعالیم دینی و حکمت عملی دارد و بیشتر این مضامین در تایید فرمایشات معصومین^(ع) بوده است.

منابع و مأخذ

الف: کتابنامه

- ۱- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی بن الح سین، (۱۳۶۳)، *تحف العقول*، علی اکبر غفاری، مترجم بهراد جعفری، قم: دارالکتب اسلامیّه.
- ۲- آزاد ارمکی، محمد تقی، (۱۴۰۱)، *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام*، تهران: علم و فرهنگ.

- ۳- آقا پیروز، علی؛ خدمتی، ابوطالب؛ شفیع، عباس؛ بهشتی‌نژاد، محمود، (۱۳۸۴)،
مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۴- بازرگان، عبدالعلی، (۱۳۷۸)، *شورا و بیعت، حاکمیت خدا در حکومت مردم*،
شرکت سهامی انتشارات.
- ۵- جامی، نورالدین عبدالرحمان، (۱۳۸۰)، *دیوان جامی*، با مقدمه و تصحیح محمد
روشن، تهران: آگاه.
- ۶- حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد، (۱۳۷۷)، *دیوان حافظ*، با مقدمه و
تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: طلوع.
- ۷- حسینی، سید مهدی، (۱۳۶۴)، *مشاوره و راهنمایی در تعلیم و تربیت
اسلامی*، تهران: امیرکبیر.
- ۸- حکیمی، سید محمد، (۱۳۹۰)، *عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام*،
پژوهشی در انقلاب جهانی مهدی (عج)، تهران: بوستان کتاب، چاپ نهم.
- ۹- دشتی، محمد، (۱۳۸۳)، *نهج البلاغه*، قم: امیر المومنین، چاپ نوزدهم.
- ۱۰- سعدی، شیخ مصلح الدین، (۱۳۷۹)، *کلیات سعدی*، مظاهر مصفا، تهران: روزنه.
- ۱۱- سنایی غزنوی، ابوالمجدود بن آدم، (۱۳۸۰)، *دیوان سنایی غزنوی*، به کوشش
محمدتقی مدرس رضوی، تهران: سنائی.
- ۱۲- شب‌ستری، عبدالحسین، (۱۴۲۱)، *مشاهیر شعراء الشیعه*، ج ۲، قم: مکتب
الادبیه المغتصه.
- ۱۳- شریعتی، علی، (۱۳۵۴)، *انتظار عصر حاضر از زن مسلمان به ضمیمه جبر
تاریخ*، تهران: شرکت چاپخش سهامی خاص.
- ۱۴- شهریار، محمدحسین، (۱۴۰۰)، *دیوان شهریار*، تبریز: زرین.
- ۱۵- صائب تبریزی، میرزا محمد علی، (۱۴۰۰)، *دیوان صائب تبریزی*، به اهتمام
جهانگیر منصور، تهران: نگاه.

- ۱۶- طبری، محمد بن جریر، (۱۴۰۳)، *نصیحه الملوك*، مترجم قوام‌الدین طه، تهران: جامی.
- ۱۷- _____، (۱۳۹۶)، *کتاب تاریخ بلعمی*، مترجم ابو علی بلعمی، تهران: هرمس.
- ۱۸- عبدالرحیمیان، حسینعلی، (۱۴۰۳)، *گنج سخن*، تهران: متخصصان.
- ۱۹- عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۷)، *دیوان عطار*، به کوشش دلارام پورنعمتی، تهران: گلزار.
- ۲۰- فارسی، جلال‌الدین، (۱۳۷۸)، *تعالی شنا سی*، جلد سوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، حوزه هنری.
- ۲۱- فردوسی، حکیم ابوالقاسم، (۱۳۹۹)، *شاهنامه فردوسی*، تهران: علم.
- ۲۲- فردوسی، حکیم ابوالقاسم، (۱۳۹۳)، متن کامل شاهنامه فردوسی، به تصحیح ژول مول، انتشارات بهزاد.
- ۲۲- فرید، مرتضی، (۱۳۶۶)، *الحديث: روایات ترتیبی از مکتب اهل بیت*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
- ۲۳- قطران، ابو منصور، (۱۳۶۲)، *دیوان قطران تبریزی*، به کوشش محمد نجوانی، تهران: ققنوس.
- ۲۴- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب اسلامی.
- ۲۵- محتشم کاشانی، علی بن محمد، (۱۳۸۹)، *کلیات*، به تصحیح و حواشی مصطفی فیضی کاشانی، تهران: سوره مهر.
- ۲۶- م صباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۳)، *حقوق و سیاست در قرآن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۲۷- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۹)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران: شرکت افست، چاپ ششم.

- ۲۸- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵)، *تفسیر نمونه*، ج ۱۰، قم: امام علی بن ابی طالب.
- ۲۹- مولوی، جلال الدین محمد بلخی، (۱۳۸۷)، *مثنوی معنوی*، بر اساس نسخه رینولد نیکلسون، با مقدمه و شرح حال از بدیع الزمان فروزانفر همراه با کشف الایات، تهران: راستین، چاپ دوم.
- ۳۰- ناصر خسرو قبادیانی، حکیم ابو معین، (۱۳۵۳)، *دیوان ناصر خسرو*، به تصحیح مجتبی مینوی، مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۱- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، (۱۳۷۶)، *مخزن الاسرار*، با تصحیح و حواشی وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- ۳۲- یثربی، میرمحمد، (۱۳۹۷)، *سیری در رساله حقوق امام سجاد*، ج ۳، قم: علامه بهبهانی.

ب: مقالات

- ۱- ابراهیمی مهر، عباسعلی (۱۳۹۵). «بازتاب سیره و کلام امام علی (ع) در شعر عطار نیشابوری»، سومین کنفرانس بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
- ۲- توحیدیان، رجب (۱۴۰۲). «بازتاب آموزه های تعلیمی در آیین / شعار حکیم شیخ حسین شهرت شیرازی»، پژوهش نامه ادبیات تعلیمی سال ۱۵، زمستان، شماره ۶۰.
- ۳- حسینی میرصفی، سیدفاطمه، (۱۳۸۸)، «بررسی شیوه مناظرات و گفتگوهای انبیاء و امام حسن با مخاطبان شان»، بینات، سال شانزدهم، ۱۳۸۸، شماره ۴، پیاپی ۶۴.
- ۴- سماواتی، عباس؛ فروزنده، علی؛ عارف نیا، طیبه، (۱۴۰۱)، «حقوق سیاسی اقلیت های دینی در شریعت اسلام و جمهوری اسلامی ایران، جامعه شناسی سیاسی ایران»، سال پنجم، شماره نهم.
- ۵- عبدالجبار، محمد، (۱۳۸۹)، «جایگاه شورا در اندیشه سیاسی اسلام»، مترجم: حسن قدوسی، فصلنامه معرفت، شماره ۳۶.

- ۶- یزدان پرست، حمید، (۱۳۹۱)، «پیامبر (ص) و دانش دوستی ایرانیان»، فصلنامه پژوهشی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، دوره جدید، سال ۲۸، شماره ۲۸۸.
- ۷- یوسف وند، حبیب؛ حق پناه، رضا (۱۳۹۷). «بررسی شعر و سبک شاعری شاعران از منظر سیره معصومین (ع) مخصوصاً امام رضا علیه السلام»، دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، مشاوره و تعلیم و تربیت.

